

سرمقاله

سرنوشت جنگ



کیومرث اشترینان

سرنوشت جنگ چه می‌شود؟ این پرسشی است که همه ما ایرانیان و بلکه جهانیان را به خود مشغول کرده است. به جای پیشگویی‌های گنگ و چندپهلوی «نوستراداموسی» سعی کنیم با تأمل در ممکنات خود سرنوشت خویشتن را بسازیم. سرنوشت جنگ‌ها یا با پیروزی و شکست یا با خستگی و فرسایش پایان می‌یابد. پرسش اساسی فراروی شورای امنیت ملی ایران این است که وضعیت کنونی تا کجا باید ادامه یابد؟ و اینکه از میان گزینه‌های فرارو چه سناریویی برای پایان جنگ صورت‌بندی شده است؟ ظاهرا فعلا ایران ترجیح می‌دهد «زور مج» را ادامه دهد. زورآزمایی هم هنوز در نوسان است، اما هیچ‌کدام مسج دیگری را نخواهند است. در چنین صورتی ممکن است نتیجه جنگ را خستگی طرفین تعیین کند. سناریوی خستگی و فرسایش، اگر با رفع تحریم و محاصره همراه نباشد، برای ایران دستاوردی نخواهد داشت. در اینجا استدلال‌های برخی دیدگاه‌ها درباره سرنوشت جنگ را به اجمال بررسی می‌کنیم؛ باشد که دامنه‌گزینه‌ها و استدلال‌ها افزایش یابد تا با افقی روشن‌تر تصمیم‌گیری شود:

۱- **پیوستن به «نظم جهانی»**

برای حل معضل جنگ استدلال می‌شود که باید به نظم جهانی پیوست و آن‌گونه که کیسینجر می‌گفت، تنها راه معقول در پیش‌روی ایران این است که یک «دولت-ملت» باشد، در چارچوب نظم جهانی رفتار کند و از «امپراتوری» یا «ایدئولوژی دینی» کناره بگیرد، اما در مقابل استدلال این است که اگر در شرایط احترام نیم‌بند به قواعد بین‌المللی، پیوستن به نظم جهانی موجه می‌نمود. اکنون دیگر وجهی ندارد؛ چون خود «کدخدا» شهر آشوبی می‌کند. شما از کانادا و انگلستان که بیشتر نمی‌توانید در چارچوب «نظم بین‌المللی» رفتار کنید یا به اندازه جولانی و عراق که نمی‌توانید سرنوشت مقدرات خود را نادیده انگارید؛ همه این کشورها رفتار دیوانگی «کدخدا» شده‌اند. البته کدخدا هم تنها نیست، یک نظام سرمایه‌داری و یک هنجار نژادپرستانه پشت او ایستاده است. اکنون شما با فروپاشی قوانین بین‌المللی مواجهید؛ آن‌هم به شکلی عریان. بنابراین هرگونه توافقی، و بلکه هرگونه نظمی، در چنین ساختاری ناپایدار است، چون بنیان‌های آن به دست کدخدا ویران شده است.

۲- **«یادداشت‌فاهم اسلام‌آباد»**

موافقان این یادداشت که به توافق مشهور است، چنین استدلال می‌کنند که امتیازات داده‌شده قانع‌کننده است، ما جنگ را در ابعاد استراتژیک و تاکتیک برده‌ایم و حکومت همچنان استوار است. پس از توافق اگر آمریکا دوباره جنگ را آغاز کند، چیزی از دست ندهاده‌ایم و دوباره به همین جایی که هستیم، بازمی‌گردیم؛ وانگهی، با توقف جنگ می‌توان به بازتجهیز نظامی-اقتصادی نیز پرداخت. در مقابل چنین استدلال می‌شود که تجربه نشان داده توافق با آمریکا ناپایدار، بی‌پشتوانه و به معنای «نهادینه‌شدن تنش» است، که نه جنگ است و نه صلح؛ یعنی توافق ناپایدار کمکی به حل مشکل ایران نمی‌کند. نهادینه‌شدن تنش حالتی است که در آن وضعیت خصومت، تحریم، تهدید نظامی، بازدارندگی، فشار اقتصادی و آمادگی امنیتی از یک وضعیت موقت به یک تعادل نسبتاً پایدار تبدیل می‌شود. تنش نهادینه‌شده یک «زیست سرگردان سیاسی» است و به معنای ایستادن دائمی در لبه آتش جنگ با یک «دیوانه» است که کشور را دچار فرسایش می‌کند، بدون آنکه برایش هزینه‌ای ایجاد کند. هیچ تضمینی نیست که غافلگیرانه دوباره مقامات کشور را هدف قرار ندهند؛ بنابراین هزینه‌ها را «همین حالا» برای آمریکا بالا ببریم. در بطن استدلال مخالفان توافق یک معنای مهم نهفته است و آن اینکه ایران مایل به یک صلح بنیات‌ا است و نه ضرورتا یک جنگ دائمی؛ هرچند گاهی شعارها چیز دیگری را نشان می‌دهد.

۳- **قرارداد با پشتوانه بین‌المللی**

یک راه‌حل برای ایران این است که توافق را به قراردادی در زمینه‌ای بین‌المللی و اجماعی جهانی تبدیل کند. به ترامپ نمی‌توان اعتماد کرد؛ یا «کدخدا» سرمست پیمان نمی‌توان بست». این واضحا برخلاف نظریه‌ای است که می‌گوید در یک منازعه هرچه تعداد بازیگران بین‌المللی بیشتر باشد، دسترسی به توافق و صلح سخت‌تر است. بی‌اعتمادی به آمریکا، ایران را به سوی این گزینه (هرچند متزلزل) پیش می‌برد که شاید بتوان آمریکا را ب‌بند و بست‌های بین‌المللی به توافق پایبند کرد. تضمین توافق نه به جان کسری، اوپام، بایدن و ترامپ، بلکه با یک ائتلاف جهانی است.

وانگهی، می‌توان روزانه و هفتگی رصد کرد که آیا پراساس قرارداد، محاصره و تحریم از ایران برداشته می‌شود یا خیر.

یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵
۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۷۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

ولادت امام حسن عسکری نزار تبریک می‌گویم

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: توافق دانمارک و آمریکا بر سر گرینلند • سیاسی‌سازی مرگ • وقتی بیکاری صرافی می‌سازد • کرونا و آنفلوآنزا در مسیر افزایش

روایت «شرق» از تناقض‌گویی‌های آمریکا در قبال ایران؛ از وعده پایان سریع جنگ تا تشدید فشار بر ایران

ترامپ و تناقض‌های بزرگ



نماینده وزارت راه به «شرق» می‌گوید که نماینده میراث فرهنگی مصوبه ساخت‌وساز در حریم تخت جمشید را امضا کرده است

«تخت جمشید» در محاصره ساخت‌وساز

یادداشت

مبارزه شیمیایی به بهای سلامت عمومی



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگر کشاورزی

بیماری‌زا از جمله زنگ‌ها هستند. روندی که به لحاظ جهش‌های مستمر پاتوژن‌های بیماری‌زا همواره تداوم دارد. تلاش برای دستیابی به ارقام مقاوم به بیماری برای استان‌های شمالی کشور به لحاظ شرایط اقلیمی خاص و مساعد برای بروز و گسترش بیماری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متأسفانه هرازگاه و در مقاطعی از بروز جهش زنتیکی در عوامل بیماری‌زا، دستگاه‌های اجرایی دچار شتابزدگی شده و با انتخاب کوتاه‌ترین راه‌حل مبادرت به توصیه و تمهید برای سمپاشی می‌کنند. اقدامی که در شرایط اقلیمی شمال کشور و آمار بالای بعضی سرطان‌ها اتفاقا باید با

یادداشت

تجمعات مردمی شبانه یک دارایی ملی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

؟

گزارش تبریک را در صفحه ۲ بخوانید

عراقچی: امنیت پایدار

خاورمیانه را نمی‌توان از

بیرون منطقه تحمیل کرد

۲

برگزیده‌ها

آینده روسیه پس از جنگ: امپراتوری یا یک کشورعادی؟

پوتین ورؤیای روسیه بزرگ

۴

«شرق» از تأثیر تضاد منافع احزاب و گروه‌های مختلف بر فرایند اصلاح اقتصادی و تأخیر در آن گزارش می‌دهد

اصلاحات پرهزینه

۳

شکل‌های زندگی: به مناسبت انتشار «پارادایم‌های اجتماعی» بهمن بازگانی

درک سوژه مجذوب‌شده

۷

رانتدگان خراسان جنوبی از انتظار بیش از یک‌ساعته در صف‌های توزیع سوخت خبر می‌دهند

هزینه پنهان صف بنزین

۳

آیا بازار جهانی نفت به ادبیات جدیدی رسیده است؟

معمای قیمت‌گذاری در عصر التهاب

۶

نگاه

با سوپر ال‌نینو منتظر زلزله‌های بزرگ باشیم؟

یادداشتی از مهدی زارع

۸

یادداشت

سه دوران، یک اکنون

پیچیدگی ریاست جمهوری پزشکیان



روزبه‌گردونی

ارنست بلوخ در کتاب «میراث این دوران» می‌نویسد: «همه‌انسان‌ها در یک اکنون زندگی نمی‌کنند». آدم‌ها ممکن است هم‌عصر باشند، در یک خیابان رفت‌وآمد کنند و یک تاریخ را در تقویم ببینند. اما الزاما در یک زمان تاریخی زندگی نکنند. بلوخ با مفهوم «ناهم‌زمانی» نشان می‌دهد که لایه‌های متفاوت تاریخی می‌توانند در یک جامعه حضور داشته باشند، بر یکدیگر اثر بگذارند و حتی در تضار قرار گیرند.

اکنون به تقویم ایران نگاه کنیم، امروز تنها یک تاریخ دارد، اما بر میز رئیس‌جمهور، سه موضوع گشوده است: جنگی که خسارت‌هایش باقی مانده، جنگی که منازعه برخاسته از آن همچنان ادامه دارد و جنگی که باید برای احتمال وقوع دور تازه آن آماده بود. سه دوران در یک زمان جمع شده‌اند. هر سه به تصمیم امروز نیاز دارند و هیچ‌کدام منتظر پایان دیگری نمی‌مانند. در تاریخ معاصر ایران، جنگ و بازسازی تجربه‌های ناشناخته‌ای نیستند. در برداشت من، ویژگی موقعیت کنونی را باید در هم‌پوشانی سه وضعیتی جست‌وجو کرد که عادت داریم آنها را در توالی تاریخی تصور کنیم: پیشاجنگ، جنگ و پساجنگ. اما مسعود پزشکیان در یک دوره ریاست‌جمهوری با الزامات هر سه مواجه شده است. راینهارت کوزلک، مورخ آلمانی، برای فهم زمان تاریخی از دو مفهوم «فضای تجربه» و «افق انتظار» بهره می‌گیرد. گذشته، با تجربه‌های ناباشته‌اش در اکنون حضور دارد و آینده، از خلال بیم‌ها و امیدها، بر تصمیم‌های امروز اثر می‌گذارد. در ایران امروز، خسارت‌های جنگ گذشته بخشی از فضای تجربه ماست، احتمال جنگ آینده افق انتظارمان را شکل می‌دهد و منازعه جاری نیز با ضرورت‌های خود بر تصمیم‌های امروز اثر می‌گذارد. این، کاربردی تحلیلی از مفاهیم بلوخ و کوزلک برای فهم موقعیت ایران است.